



General English Under Scrutiny

پاسخ کاملاً تشریحی سؤالات زبان
عمومی ارشد کلیه رشته ها (۶ سال اخیر)

آزمونهای منتخب و تالیفی به همراه پاسخ

۱۶۰۰ لغت پرتکرار کنکور
کارشناسی ارشد به همراه مثال

زبان عمومی ارشد زیر ذره بین

الناز یوسف زاده • هادی جهانشاهی

زبان عمومی ارشد زیر ذره بین

پاسخ کاملا تشریحی سوالات زبان عمومی ارشد کلیه رشته ها (۶ سال اخیر)

۱۶۰۰ لغت پرتکرار کنکور کارشناسی ارشد به همراه مثال

آزمون های منتخب و تالیفی به همراه پاسخ

الناز یوسف زاده بری

هادی جهانشاهی



فهرست مطالب

۷ 1 مقدمه

۹ 2 پاسخ زبان عمومی کنکورها

۱۱	آزمون کارشناسی ارشد ۸۶
۴۱	آزمون کارشناسی ارشد ۸۷
۷۱	آزمون کارشناسی ارشد ۸۸
۱۰۱	آزمون کارشناسی ارشد ۸۹
۱۲۷	آزمون کارشناسی ارشد ۹۰
۱۵۳	آزمون کارشناسی ارشد ۹۱

۱۷۹ 3 تستهای منتخب و تالیفی

۱۸۱	تستهای برگزیده با پاسخ
۱۹۷	تستهای تالیفی با پاسخ

۲۰۳ 4 راهنمای واژگان کنکور ارشد

به نام خدا

دانشجوی گرامی

کتابی که در دست دارید از مجموعه کتب آمادگی کنکور کارشناسی ارشد و دکتری موسسه پژوهش می باشد که با همکاری انتشارات نگاه دانش به انتشار درآمده است. این مجموعه کتب با هدایت علمی و سیاست گذاری دپارتمان های مربوطه در موسسه و با کمک برترین مولفین و اساتید دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی تدوین می شوند. هدف موسسه از انتشار این مجموعه، ارائه منابع کارآمد و معطوف به نیاز دانشجویان متقاضی ورود به تحصیلات تکمیلی می باشد. از این رو سعی شده تا کتاب ها با داشتن طرح درسی منسجم و قوی به همراه تست های متعدد و پاسخ های تشریحی دانشجویان را از مطالعه منابع دیگر بی نیاز کنند. همچنین در راستای بهبود مستمر محتوای این مجموعه، موسسه پژوهش پذیرای نظرات اصلاحی، انتقادات و پیشنهادات شما از طریق Publication@pazhuhesh.org یا آدرس پستی دفتر مرکزی موسسه پژوهش می باشد.

همچنین موسسه آموزش عالی آزاد پژوهش در راستای موفقیت متقاضیان در مسیر ورود به مقاطع مختلف تحصیلات تکمیلی انواع خدمات آموزشی از قبیل بسته های آموزشی، کلاس های آمادگی درس و تست، کلاس های آمادگی نکته و تست، آزمون های آزمایشی، خدمات مشاوره حضوری و ... را در رشته های مختلف به دانشپذیران ارائه می نماید، و در بیش از ده سالی که از تاسیس موسسه می گذرد بیش از صد هزار دانشپذیر از خدمات مختلف موسسه در راه رسیدن به اهداف خود بهره برده اند که موفقیت تعداد بیشماری از ایشان در مجامع علمی و کاری باعث افتخار موسسه پژوهش می باشد. اطلاعات بیش تر را می توانید در سایت مجموعه به آدرس pazhuhesh.org مشاهده نمایید.

با تشکر

موسسه آموزش عالی آزاد پژوهش



مقدمه

کتاب با نام “**زبان عمومی ارشد زیر ذره بین**” ماحصل تلاشی گسترده بوده و با هدف تحلیل منطقی و نگارشی نو به درس زبان عمومی مشترک میان کلیه رشته ها ارائه گردیده است. این کتاب بر سه زیر بخش اصلی “پاسخ زبان عمومی کلیه رشته ها و گرایشات”، “تالیف و انتخاب مجموعه تستهایی از لغات ضروری و پرکاربرد” و “راهنمای لغات مهم و پرتکرار در کنکور ارشد” استوار است که پیش از هر فصل دیباچه ای در شرح آن فصل ارائه شده است.

چرا زبان عمومی ارشد زیر ذره بین؟

مولفین این کتاب، این کتاب را نه کتابی تالیفی که بیشتر کتابی تحقیقی با دامنه وسیعی از منابع می دانند. ایده نگارش چنین کتابی با درک روند طراحی سوالات زبان عمومی ارشد طی سالهای گذشته به ذهنمان خطور کرد. بدون تردید با مطالعه این کتاب شما نیز از روند سوالات در طی این سالها آگاه خواهید شد که در صورت ادامه این خط سیر، کمک شایانی به قدرت پاسخ دهی شما به سوالات خواهد نمود.

مهمترین مزیت این کتاب: وجه تحقیقاتی آن است که تاکنون در زمینه زبان عمومی ارشد، کتابی با این ریزبینی به بحث واژگان آن نگاشته نشده بود. همواره دانشجویان این سوال را در ذهن می پروراندند که “برای واژگان کنکور ارشد کدام منبع را مطالعه کنیم؟” منابع متعدد چاپ داخل و خارج از کشور در جهت کمک به این خلاء معرفی می گردند که یکی دیگر از اهدافی که در نوشتن این کتاب راس العین خود قرار دادیم، این جمله معروف بود: “بجای آنکه چندین کتاب بخوانید، یک کتاب را چندین بار مطالعه کنید”.

سعی شده است تا حد ممکن کتاب جامعیت و مانعیت را در بحث واژگان ارشد رعایت نماید. بیش از ۳۲۰۰ مثال از ۱۶۰۰ لغت مهم و پرکاربرد کنکوری می تواند راهگشای عملی شما دانش پژوهان عزیز در بحث واژگان باشد.

چه تغییراتی تا چاپ آتی مدنظر است؟

این کتاب هر ساله در چاپ جدید خود به افزودن تستهای جدید کنکور و به روزرسانی دامنه غنی لغات پرتکرار کنکور خواهد پرداخت. یکی دیگر از مواردی که برای چاپ های آینده مدنظر است افزودن بخش گرامر به کتاب و ارائه مجلدی دیگر با همین قالب و جامعیت تمام است. امید است با ارائه این مجموعه کتب اندک خدمتی به دانش پژوهان محترم نموده باشیم.

در پایان خاطر نشان میکنیم، جهت مطالعه صحیح مطالب، حتما دیباچه ی فصول کتاب را یک به یک مطالعه نموده و سپس اقدام به خواندن آن بخش نمایید.

به زودی سایتی به آدرس GeneralEnglish.ir افتتاح خواهد شد تا در آنجا پاسخگوی سوالات شما داوطلبان گرامی رشته های مختلف باشیم.

انتقادات و پیشنهادات خود را نیز با ما به آدرس GeneralEnglish.ir@gmail.com در میان گذارید.

وظیفه خود می دانیم از جناب آقای دکتر مجید ایوزیان که در طول مراحل گردآوری این کتاب همراهان بودند و زمانی که بیشترین نیاز به روحیه ای جهت ادامه دادن این کار تحقیقاتی داشتیم، از هیچ کمکی دریغ ننمودند تشکر نماییم.

و این کتاب تقدیم به لبخند کوچکی از پدر و مادر عزیزمان که داشته و نداشته مان را مدیونشانیم.

الناز یوسف زاده بری - هادی جهانشاهی

۲ آبان ۱۳۹۱



پاسخ زبان عمومی کنکورها

در این بخش به "سی و نه" دوره سوالات زبان عمومی از سال ۸۶ الی ۹۱ پاسخ داده شده است. این پاسخها کاملا تشریحی بوده و علاوه بر آن، تحلیل سوالات و ذکر منبع مورد استفاده طراحان برای سوالات نیز برای اولین بار عنوان شده است.

این موضوع به شما کمک خواهد نمود تا با روند طراحی سوالات کنکور کارشناسی ارشد در طی این سالها آشنا شده و از سردرگمی های معمول میان دانشجویان، پیرامون ده تست اول تمامی رشته ها رها شوید.

برای کلیه لغات موجود در گزینه ها، علاوه بر ترجمه کامل، مترادفات انگلیسی آن نیز آورده شده تا کلمات را نه با مترادف فارسی بلکه معانی اصلی آن یاد بگیرید.


جمع آوری مجموعه ای این چنین کامل و با ارائه پاسخ های کاملا تشریحی، به داوطلبان عزیز کمک خواهد نمود در قالب مجموعه ای واحد، نمونه سوالات بسیاری را تمرین نمایند.

به منابعی که برای هر تست ذکر شده دقت نمایید. این منابع الگوی ما بودند تا بخشهای ۳ و ۴ کتاب را بر این مبنا بچینیم. طراحی سوالات مشابه، با مثالهای متعددی که در آن بخشها آورده ایم، یادگیری معانی لغات را در قالب جملاتی مهم و پرکاربرد، ساده تر خواهد نمود. بخش ۳ شامل تستهای منتخب و تالیفی از این منابع و آخرین بخش کتاب، شامل مثالهایی از این منابع برای تمام لغات استفاده شده در کنکور کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری می باشد.

برای راحتی کار، پاسخ تستها با الگوی زیر در انتهای هر نوبت آزمون آورده شده تا بتوانید به راحتی به جواب گزینه ها دسترسی پیدا نمایید:

شماره سوال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
گزینه صحیح	۱	۲	۳	۳	۲	۴	۴	۱	۳	۱

ترتیب پاسخ گزینه های صحیح



◀ چرا پاسخ زبان عمومی سایر رشته ها را می بایست مطالعه نمود؟

سوالات تمامی گروهها و تمامی نوبتهای آزمونی کاملا همگن بوده و از مشابهت بسیاری برخوردارند. با پاسخگویی به سوالات درخواهید یافت که برای مثال گزینه و کلمه ای که در سال مشخصی برای گروه مدیریت طرح شده بود، دو سال بعد مورد سوال گروه مهندسی عمران بود. حتی در سالهایی بوده که کلمه ای خاص در تمام نوبتهای آزمونی آن سال با معانی مختلف تکرار شده است. اینها اهمیت مطالعه سایر گروهها را برای شما نشان می دهد و این مرور سوالات سبب ارتقای دامنه لغات شما برای پاسخگویی به سوالات کنکور سالهای آتی خواهد بود.

◀ چگونه این بخش را مطالعه نماییم؟

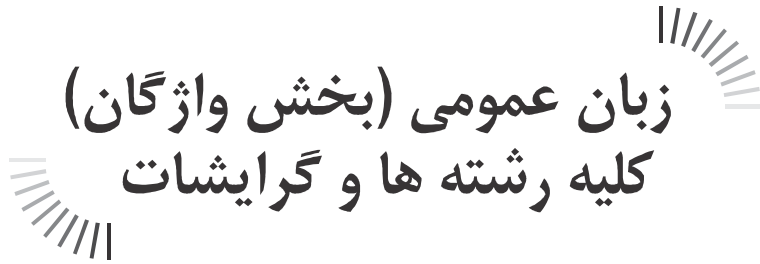
این بخش را با پاسخ از آخرین سال شروع نمایید. سوالات سال ۸۶ شامل تستهای گرامر نیز می باشد که در سالهای اخیر از میان ۱۰ تست اولیه به کلی کنار گذاشته شده است. حتما به گزینه هایی که پاسخ سوال نیستند نیز دقت نمایید زیرا ممکن است همان گزینه در سال دیگری مطرح شده باشد. از پاسخگویی صرف، به سوالات گروه خود اجتناب نمایید و دید یکسانی را به سوالات تمامی گروهها داشته باشید زیرا ارزش و اولویت سوالات هیچ گروه آزمایشی بالاتر از سایر گروهها نیست.

شایان ذکر است که سوالات تمامی نوبتهای آزمونی در چاپهای آتی، سال به سال به این بخش از کتاب افزوده خواهد شد و پاسخ سوالات کنکورها به روز خواهد گردید.



کنکور کارشناسی ارشد

زبان عمومی (بخش واژگان)
کلیه رشته ها و گرایشات



مجموعه مدیریت (۱۱۴۲) - مجموعه مهندسی مکانیک (۱۲۶۷) - حسابداری (۱۱۳۴) - مجموعه آمار (۱۲۰۷)
مجموعه تربیت بدنی و علوم ورزشی (۱۱۰۶) - مجموعه زمین شناسی (۱۲۰۱) - مجموعه شیمی (۱۲۰۳)

1. Symptoms of the illness include a high temperature and a(n) dry cough.
1) effective 2) persistent 3) respected 4) considerate
2. You can protect the floor withsheets of newspaper if you want to paint the walls.
1) mediating 2) restricting 3) overlapping 4) approaching
3. Modern examples of this type of weaving for Persian carpets in the region show little from traditional patterns.
1) deviation 2) relevance 3) application 4) permanence
4. The road the highway a mile from here - you can't miss the signs for it.
1) intersects 2) interferes 3) intervenes 4) intercepts
5. The love and support of his family him during his time in prison and made him feel less desperate there.
1) resolved 2) sustained 3) assumed 4) determined
6. Anita had a(n) arrangement with her brother - each would take care of the other's children if the need arose.
1) adjacent 2) coherent 3) analogous 4) reciprocal
7. Despite some doubts by the experts, the of this painting to Rembrandt had never been questioned.
1) attribution 2) simulation 3) association 4) specification
8. You had better not the car unlocked in this area - not even for a minute.
1) left 2) leave 3) to leave 4) leaving
9. He is studying mathematics so as for higher salary.
1) to qualify 2) qualifying 3) qualification 4) he qualifies
- 10.No sooner had he drunk the coffee he began to feel drowsy.
1) that 2) when 3) than 4) which

۲ ۳ ۱ ۱ ۲ ۴ ۱ ۲ ۱ ۳



۱- گزینه «۲»

علایم بیماری شامل درجه تب بالا و سرفه خشک مزمن است. برگرفته از دیکشنری کمبریج

Effective	Successful	(۱) کاری، موثر، مفید
Persistent	Chronic	(۲) مزمن، مداوم
Respected	Honorable	(۳) محترم، ستوده
Considerate	Thoughtful	(۴) با ملاحظه، محتاط

۲- گزینه «۳»

اگر شما می خواهید دیوارها را رنگ بزنید، می توانید کف (زمین) را با پوشاندن ورق های روزنامه محافظت کنید (پوشانید).

Mediate	Intervene	(۱) میانجی گری کردن، وساطت کردن
Restrict	Confine	(۲) منحصر کردن، محدود کردن
Overlap	Lap	(۳) پوشاندن، بر روی هم قرار گرفتن
Approach	Move toward	(۴) رسیدن، نزدیک شدن

۳- گزینه «۱»

نمونه های مدرن از این نوع بافت در فرشهای ایرانی در این منطقه، انحراف (تفاوت) کمی از الگوهای سنتی را نشان می دهد.

Deviation	Divergence	(۱) انحراف، کج رویی، تفاوت
Relevance	Connection	(۲) ربط، ارتباط، وابستگی
Application	Implementation	(۳) اعمال، استفاده، اجرا
Permanence	Stability	(۴) پایداری، ثبات، دوام

۴- گزینه «۱»

جاده در یک مایلی اینجا، بزرگراه را قطع می کند؛ شما ممکن نیست علائم (تابلوهای راهنمای) آن را از دست بدهید (نبینید).

Intersect	Cross	(۱) (از وسط) قطع کردن، تقسیم کردن
Interfere	Disturb	(۲) دخالت کردن، مزاحم شدن
Intervene	Intercede	(۳) مداخله کردن، پا در میانی کردن
Intercept	Stop	(۴) جلو کسی را گرفتن، حائل شدن

۵- گزینه «۲»

عشق و حمایت از خانواده اش، او را در دوران زندان (بودنش) نگه داشت و باعث شد در آنجا کمتر احساس ناامیدی بکند.

Resolve	Settle	(۱) حل کردن، رفع کردن
Sustain	Bear	(۲) نگه داشتن، تحمل کردن
Assume	Presume	(۳) فرض کردن، پنداشتن، انگاشتن
Determine	Decide	(۴) تصمیم گرفتن، مصمم شدن

۶- گزینه «۴»

آنیتا قول و قرار دو طرفه ای با برادرش داشت؛ هر کدام در صورت بروز نیاز از بچه های یکدیگر مراقبت خواهند کرد.

Adjacent	Adjoining	(۱) همجوار، مجاور
Coherent	Logical	(۲) دارای ارتباط منطقی، منسجم
Analogous	Comparable	(۳) قابل مقایسه، قابل قیاس
Reciprocal	Mutual	(۴) دوطرفه، متقابل، عمل متقابل

۷- گزینه «۱»

با وجود برخی از شک و تردیدها (موجود) توسط کارشناسان، اما نسبت این نقاشی به رامبراند هرگز مورد سوال قرار گرفته نشده بود.

Attribution	Allocation	(۱) تخصیص، نسبت، استناد
Simulation	a model for teaching & testing	(۲) شبیه سازی
Association	Relationship	(۳) ارتباط، پیوستگی
Specification	Identification	(۴) مشخصه، معیار، ویژگی

۸- گزینه «۲»

بهتر است شما ماشین را قفل نشده (باز) در این مکان رها نکنی، حتی برای چند دقیقه.

Leave	Set of	ترک کردن، دست کشیدن
--------------	--------	---------------------

◀ نکته: با توجه به قاعده مربوط به **had better** و **would rather** بعد از هر دوی اینها اصولاً فعل به صورت ساده میاید.



۹- گزینه «۱»

او در حال تحصیل در رشته ریاضیات است تا واجد شرایط (دریافت) حقوق بالا باشد.

شایستگی پیدا کردن، واجد شرایط شدن **to qualify** | **be eligible**

◀ **نکته:** با توجه به قاعده مربوط به **so as to do something** پس در این صورت بایستی فعل بعد از **so as to be** به حالت بیاید.

۱۰- گزینه «۳»

او هنوز قهوه اش را نخورده بود که بلافاصله (شروع به) احساس خستگی کرد.

یا

به محض آنکه قهوه اش را نوشید، احساس خستگی به او دست داد.

◀ **نکته:** قاعده مربوط به **No sooner ... than ...** است و به معنای انجام گرفتن کاری است که تقریباً بلافاصله بعد از کار دیگر رخ می دهد.

◀ **نکته:** با توجه به قاعده مربوط به **No sooner ... than ...** در صورت استفاده از **No sooner** در ابتدای جمله نیز، بایستی فعل (فعل کمکی) قبل از فاعل آورده شود.

No sooner had he drunk the coffee **than** he began to feel drowsy.

OR

He had **no sooner** drunk the coffee **than** he began to feel drowsy.

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم
حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل مشاهده است.







نور

کنکور
کارشناسی ارشد

زبان عمومی (بخش واژگان)
کلیه رشته ها و گرایشات



مجموعه مدیریت (۱۱۴۲) - حسابداری (۱۱۳۴) - مجموعه مهندسی مکانیک (۱۲۶۷) - مجموعه آمار (۱۲۰۷)
مجموعه زمین شناسی (۱۲۰۱) - مجموعه شیمی (۱۲۰۳) - مجموعه تربیت بدنی و علوم ورزشی (۱۱۰۶)

1. That shy..... young man had turned into a confident adult.
1) reserved 2) self-assured 3) expressive 4) shameless
2. Students in colleges a wide age range and exhibit very varying academic abilities and communication skills.
1) insert 2) distinguish 3) encompass 4) obtain
3. Wanting to make a good impression, he found himself in a about the right color suit to wear to the business meeting.
1) priority 2) deficiency 3) repute 4) quandary
4. Ted fell asleep during the movie because it had a very plot.
1) impure 2) monotonous 3) controversial 4) invalid
5. After running an early 5K race, Simone devoured hearty breakfast.
1) voraciously 2) dramatically 3) generously 4) beneficially
6. Heavy rains March the drought conditions.
1) accelerated 2) envisioned 3) alleviated 4) revealed
7. He argued that he was not because there was other work available within the terms of his contract of employment.
1) diligent 2) redundant 3) clumsy 4) sluggish
8. The of the monument took five years to complete.
1) invasion 2) improvisation 3) enforcement 4) restoration
9. He was found guilty and to life imprisonment.
1) compelled 2) imposed 3) accused 4) convicted
10. The entire east wing of the building was in the fire.
1) demolished 2) prohibited 3) renovated 4) aggravated

۱ ۳ ۴ ۲ ۱ ۳ ۲ ۴ ۴ ۱



۱- گزینه «۱»

آن مرد (نو) جوان خجالتی کم حرف به فرد بالغی با اعتماد به نفس تبدیل شده بود.

Reserved	Reticent	(۱) کم حرف، خجالتی
Self-assured	Self-confident	(۲) با اعتماد به نفس
Expressive	Meaningful	(۳) گویا، حاکی، سرشار
Shameless	Unblushing	(۴) بی شرم، بی حیا

۲- گزینه «۳»

دانشجویان در دانشگاهها شامل طیف سنی گسترده ای بوده و تواناییهای تحصیلی و مهارتهای ارتباطی بسیار متفاوتی را نشان می دهند.

Insert	Put	(۱) تعبیه کردن، جادادن
Distinguish	Differentiate	(۲) تمیز دادن، تشخیص دادن
Encompass	Contain	(۳) شامل بودن، دربرگرفتن
Obtain	Acquire	(۴) به دست آوردن، گرفتن

۳- گزینه «۴»

تمایل او برای تاثیرگذاری مطلوب، برایش نوعی سرگردانی در مورد رنگ صحیح کت و شلواری که می خواست برای جلسه کاری بپوشد دربرداشت.

برگرفته از *Vocabulary for TOEFL IBT* و *1001 Vocabulary*

Priority	Precedence	(۱) اولویت، ارجحیت
Deficiency	Lack	(۲) کاستی، فقدان
Repute	Fame	(۳) شهرت، اعتبار
Quandary	Perplexity	(۴) سرگردانی، گیجی

۴- گزینه «۲»

“ند” در طی فیلم خوابیده بود چون موضوع بسیار خسته کننده ای داشت.

Impure	Adulterated	(۱) ناخالص، نادرست
Monotonous	Tedious	(۲) خسته کننده، کسل کننده
Controversial	Disputable	(۳) بحث انگیز، جدال آمیز
Invalid	False	(۴) نامعتبر، نادرست

۵- گزینه «۱»

پس از دویدن در ۵ کیلومتر ابتدایی مسابقه، سیمون صبحانه مقوی ای را با ولع تمام خورد.

برگرفته از *Vocabulary for TOEFL IBT* و *1001 Vocabulary*

Voraciously	Ravenously	(۱) حریصانه، با ولع
Dramatically	Exciting	(۲) مهیج، دراماتیک
Generously	Benevolently	(۳) سخاوتمندانه، کریمانه
Beneficially	Profitable	(۴) سودمندانه، مفید

۶- گزینه «۳»

بارانهای سنگین در ماه مارس، شرایط خشکسالی را کاهش داد.

Accelerate	Hasten	(۱) تسریع کردن، سرعت دادن
Envision	Visualize	(۲) تصور کردن، خیال بافی کردن
Alleviate	Reduce	(۳) سبک کردن، کم کردن، تسکین دادن
Reveal	Disclose	(۴) آشکار کردن، معلوم نمودن

۷- گزینه «۲»

او استدلال کرد که (نیروی کاری) اضافی (ای) نبود زیرا کارهای دیگری با توجه به شرایط قرارداد استخدامی او وجود داشت.

Diligent	Industrious	(۱) کوشا، ساعی
Redundant	Unnecessary	(۲) زائد، اضافی، غیر ضروری
Clumsy	Awkward	(۳) غیرماهرانه، بدشکل، سوتی دادن
Sluggish	Inactive	(۴) بی حالی، کساد

۸- گزینه «۴»

مرمت بنای یادبود پنج سال طول کشید تا کامل گردد.

Invasion	Occupation	(۱) تصرف، هجوم، تعرض
Improvisation	Extemporization	(۲) بدیهه گوئی، حاضر جوابی
Enforcement	Force	(۳) فشار، اجبار
Restoration	Rehabilitation	(۴) مرمت، بازسازی



۹- گزینه «۴»

او گناهکار شناخته شد و به حبس ابد محکوم شد.

Compel	Force	(۱) مجبور کردن، وادار کردن
Impose	Enforce	(۲) تحمیل کردن
Accuse	Blame for	(۳) متهم شدن، مقصر دانستن
Convict	Find Guilty	(۴) محکوم شدن

۱۰- گزینه «۱»

کل بال (طرف) شرقی ساختمان در آتش سوزی ویران شد.

برگرفته از دیکشنری لانگمن

Demolish	Destroy	(۱) ویران کردن، خراب کردن
Prohibit	Forbid	(۲) ممنوع کردن، تحریم کردن
Renovate	Restore	(۳) مرمت کردن، نو کردن
Aggravate	Worsen	(۴) بدتر کردن، تشدید کردن

مهندسی عمران (۱۲۶۴، ۱۲۶۳) - مجموعه زبان و ادبیات فارسی (۱۱۰۱) - مجموعه علوم جغرافیایی (۱۱۰۲)
مجموعه فیزیک (۱۲۰۴) - مجموعه حقوق (۱۱۲۶) - مهندسی نساجی (۱۲۸۴، ۱۲۸۳) و گروه ۱۱۳۰

1. She emanated worldliness and the selfishness of one who is
to everything but her own needs and caprices.
1) visible 2) available 3) compensatory 4) indifferent
2. Concrete blocks were piled high to the government center.
1) fortify 2) circulate 3) reveal 4) overlap
3. All sound has three: pitch, volume, and duration.
1) impacts 2) properties 3) merits 4) realms
4. One of the Britain's most criminals has escaped from prison.
1) meritorious 2) indigenous 3) notorious 4) industrious
5. By the 1930s the wristwatch had almost completely the pocket
watch.
1) devised 2) supplanted 3) thwarted 4) founded
6. She cared for her stepmother with unflinching throughout her
long illness.
1) devotion 2) defect 3) conformity 4) prevalence
7. Ryan needed agreement to bring his proposal up for a vote.
1) contentious 2) deliberate 3) adjacent 4) unanimous
8. With so much water having its exterior, the engine was
effectively ruined.
1) varnished 2) inhabited 3) penetrated 4) exceeded
9. Considering the of his injuries, he's lucky to be alive.
1) hurdle 2) extent 3) divergence 4) symptom
10. They intend to keep their force there in the region to
compliance with the treaty.
1) verify 2) seize 3) recollect 4) conquer

۴ ۱ ۲ ۳ ۲ ۱ ۴ ۳ ۲ ۱

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم
حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل مشاهده است.





تست‌های منتخب و تالیف

تست‌های این بخش جهت مرور نهایی و جمع بندی قرار گرفته است. دلیل عدم ارائه پاسخ تشریحی و ترجمه در این بخش نیز همین موضوع است که می بایست پس از تسلط کامل به مبحث واژگان (شامل ترجمه، مترادف و کاربرد آن در جمله) و پاسخ دهی به سوالات کنکور به این بخش مراجعه نمایید.

سوالات منتخب از منابع مهمی که پیش از این سابقه طراحی سوال از آنها وجود داشته، برگزیده و جهت تثبیت لغات در ذهن شما ارائه شده است. سوالات تالیفی نیز منطبق با روند سالهای اخیر و یادآوری گزینه های پرکاربرد طراحی شده اند تا سنجشی مناسب از دانسته های شما به عمل آید. در انتهای هر آزمون، معانی کلمات مشکل آن در جدولی برای راحتی خوانندگان محترم گردآوری شده است.

در این مجموعه تست لغات جدید و بعضا سخت نیز آورده شده تا خواننده کتاب به این درک برسد که الزامی ندارد با خواندن این کتاب جامع، تمام لغاتی را که در کنکور خواهد دید از پیش فرا گرفته است. بدیهی است که هر آزمون تلفیقی است از لغات نو و لغاتی که پیش از این با آنها برخورد کرده ایم.

تعداد آزمونهای این بخش در چاپهای آینده افزایش خواهد یافت.

سری اول سوالات منتخب

- The president differs from the past president on healthcare reform issues.**
1) talkative 2) accomplished 3) artificial 4) incumbent
- The data supports the belief that there has been an increase in population in the county.**
1) nominal 2) demographic 3) practical 4) nocturnal
- The collected from real estate taxes helped to balance the town budget.**
1) domain 2) remainder 3) revenue 4) assessment
- We were tired when we reached the, but the spectacular view of the valley below was worth the hike.**
1) circumference 2) summit 3) fulcrum 4) nadir
- The suit had a(n) odor, as if it had been stored in a trunk for a long time.**
1) aged 2) scented 3) musty 4) decrepit
- The teacher put the crayons on the bottom shelf to make them to the young children.**
1) accessible 2) receptive 3) eloquent 4) ambiguous
- My computer was state-of-the-art when I bought it three years ago, but now it is**
1) current 2) dedicated 3) unnecessary 4) outmoded
- Visiting all the tea shops in the city, they were on a to find the perfect cup of tea.**
1) surge 2) quest 3) discovery 4) cadence
- Their conversation was considered playful between two old friends.**
1) antics 2) banter 3) behavior 4) activities
- He tried to the sinking morale of his friend in the hospital.**
1) sustain 2) foster 3) bolster 4) nourish

۴ ۲ ۳ ۲ ۳ ۱ ۴ ۲ ۲ ۳



		۱- گزینه «۴» فعلی، کنونی
Incumbent	Present, Current	
		۲- گزینه «۲» مرتبط با سرشماری نفوس
Demographic	pertaining to demography	
		۳- گزینه «۳» منافع، سود، درآمد
Revenue	Income, Taking	
		۴- گزینه «۲» قله، نوک کوه
Summit	Top, Peak	
		۵- گزینه «۳» کیگ زده، بوی کیگ و نامطبوع
Musty	Stale, Fusty	
		۶- گزینه «۱» در دسترس
Accessible	Reachable	
		۷- گزینه «۴» از مد افتاده
Outmoded	Old-fashioned	
		۸- گزینه «۲» جست و جو و دنبال چیزی بودن
Quest	Search, Hunt	
		۹- گزینه «۲» شوخی طبیعی و خوشمزگی کردن
Banter	Joke, Jest	
		۱۰- گزینه «۳» تقویت کردن
Bolster	Strengthen, Reinforce	

talkative	حراف	remainder	پس مانده، باقیمانده
circumference	محیط، پیرامون	aged	سالخورده و پیر
scented	معطر و خوشبو	decrepit	نحیف، پیر و فرتوت
playful	شوخی و شنگول	antic	شوخی، شیطنت

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم
حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل مشاهده است.





سری سوم سوالات تالیفی

1. A good company pension scheme remains a weapon for attracting staff.
1) durable 2) empirical 3) potent 4) hazardous
2. The government imposed a tax on fuels which to global warming.
1) constituted 2) attributed 3) contributed 4) recruited
3. Despite our best, we couldn't start the car.
1) incorporates 2) perceptions 3) endeavors 4) discernments
4. This meeting will be the first between the party leaders since the election.
1) beg 2) inherit 3) intend 4) encounter
5. Aid workers were said to have been filled with by the appalling conditions that the refugees were living in.
1) relinquish 2) dismay 3) distinguish 4) distinct
6. The war, and the fall in trade, have had a devastating effect on the country.
1) cooperative 2) corresponding 3) corrosive 4) coordinated
7. We are greatly excited by the of training these dentists to provide for local health needs.
1) prospect 2) sanction 3) ruin 4) precision
8. It's very difficult to yourself into a society whose culture is so different from your own.
1) exert 2) discern 3) demonstrate 4) integrate
9. This product is in size and with little existing infrastructure.
1) immense 2) mandatory 3) utterly 4) conveniently
10. We are only interested in the parts of the proposals that to local issues.
1) abstain 2) pertain 3) assert 4) monopolize



این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم
حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل مشاهده است.

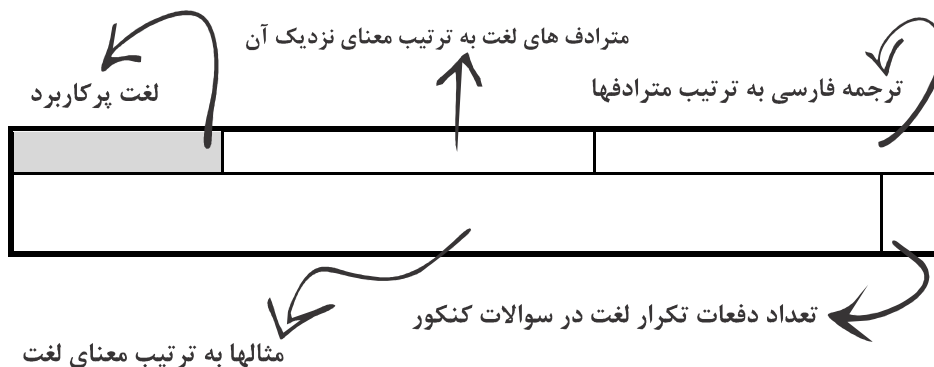




راهنمای واژگان کنکور ارشد

این بخش شامل بیش از ۱۵۰۰ لغت بدون در نظر گرفتن تکرار و مشتقات کلمات است. نکته منحصر به فرد آن ذکر معنی فارسی، مترادف انگلیسی، کاربرد کلمه حداقل طی دو مثال و اعلام تعداد دفعات تکرار آن در کنکورهای مختلف از سال ۸۶ تا ۹۱ است.

جدول زیر طبقه استفاده صحیح از این بخش را عنوان می نماید:



توجه: در مطالعه این فصل دقت نمایید که تنها واژه های پرتکرار را مطالعه نفرمایید. سایر لغات نیز از درجه اهمیت ویژه ای برخوردارند و الزامی به تکرار شدن لغتی که ۱۵ بار در کنکور آمده است در سالهای آتی نمی باشد. ما در انتخاب لغات تلاش کرده ایم تا لغات زائد به کلی از این میان حذف شده باشند. بنابراین عدد تکرار، تنها به جهت دقت شما به موضوع تشابه سوالات گروههای مختلف قرار داده شده است.

◀ واژگان با چه منطقی برگزیده شده اند؟

واژگان این بخش، از میان لغات مهم و پرتکرار کنکور کارشناسی ارشد سالهای ۸۵ تا ۹۱، کنکور دکتری ۹۱ و لغات مهم کتابهای زیر با دقت و وسواس خاصی انتخاب شده اند:

- The 1000 Most Common SAT Words
- Essential Words for the TOEFL
- 504 Absolutely Essential words
- Vocabulary for TOEFL iBT
- 1001 Vocabulary and Spelling Questions
- ...

در این انتخاب بر خلاف سایر کتب مشابه، حتی الامکان استفاده از کلمات بسیار ساده پرهیز شده و تکرار یک لغت در قالب فعلی، اسمی، قیدی و صفت تنها در صورتی رخ داده که آن کلمه معنای متفاوتی را در بر گرفته باشد. به همین جهت این واژگان را می توان عصاره کتب منتخب و سالهای گذشته کنکور کارشناسی ارشد دانست. همچنین از لغات درون این کتب تنها لغات معمول و نه لغات غیرمتداول به لیست مان اضافه شده است.

◀ مثالها و معانی لغات بر چه مبنا و از چه منابعی انتخاب شده است؟

بدلیل استفاده از معانی مختلف یک لغت طی آزمونهای گذشته، تا جای ممکن از قرار دادن یک معنی اجتناب شده است. یادگیری یک معنی کافی نخواهد بود اما معانی به گونه ای تنظیم شده که مترادفات به ترتیب اولویت قرار گرفته باشند. همچنین ترتیب مثال، معنی و مترادف به گونه ای است که معنی اول یک کلمه و اولین مترادف و اولین مثال در یک راستا بوده و معنی دوم در مترادف دوم و مثال دوم به کار رفته باشد. این موضوع شما را از اشتباه در درک معنی دور خواهد نمود.

"کاربردهای لغت در جمله و مثالها"، تماما از میان برترین زبان انگلیسی و منابعی که بیشترین استفاده را در کنکورهای اخیر داشته اند برگزیده شده است:

- Longman Dictionary of Contemporary Eng
- The Oxford English Dictionary
- Cambridge Advanced Learner's Dictionary
- MacMillan English Dictionary
- Merriam-Webster's Learner's Dictionary
- ...

همانطور که ذکر شد، ترتیب ترجمه فارسی، مترادف و مثال به گونه ای رعایت شده است که برای کلمه ای خاص مثال (کاربرد) اول مبین معنی اول و مثال (کاربرد) دوم مبین معنی دوم و الی آخر باشد. این امر، دسترسی به مثالها و معانی را بسیار ساده نموده است.

از میان مثالها نیز تنها مثالهایی را انتخاب نموده ایم که در عین سادگی، معنای کلمه مورد نظر را به وضوح به ذهن خواننده رسانده و جذابیت مثال به گونه ای باشد که معنی لغت در دراز مدت نیز به ذهن شما متبادر گردد.

امید است این مجموعه کامل، راهگشای شما جهت یادگیری مبحث واژگان باشد.

A

abandon	leave, give up, renounce	ترک کردن، رها کردن، واگذار کردن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We had to abandon the car and walk the rest of the way. ✓ Her natural mother had abandoned her at an early age. 			۱
abase	degrade, humiliate, belittle	تحقیر نمودن، پست انگاشتن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I watched my colleagues abasing themselves before the board of trustees. 			۱
abate	become less strong, subside	فروکش کردن، کم شدن، کاهش	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The rain poured down for a while, then abated. ✓ The fighting in the area shows no sign of abating. 			۱
abide	comply, obey, stay, bear	اطاعت کردن، تحمل کردن، ماندن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He expected everybody to abide by the rules. ✓ If there is one thing I cannot abide it is a lack of discipline. 			۱
abolish	end an activity, scrap, revoke	منسوخ کردن، منقضی شدن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I think bullfighting should be abolished. ✓ Slavery was abolished in the US in the 19th century. 			۱
abound	be plentiful, be full of	سرشار بودن، به وفور بودن، فراوانی	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The forests abound with deer (گوزن), birds and squirrels (سنجاب). ✓ Theories abound about how the Earth began. 			۱
abridge	shorten, trim, crop	کوتاه کردن، مختصر نمودن، تلخیص	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The cassettes have been abridged from the original stories. ✓ The publisher thought the dictionary was too long and abridged it. 			۱
abroad	in or to a foreign country	وسیع، گسترده، خارج از کشور	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The books about Harry Potter are popular now, both at home and abroad. ✓ There's a rumour abroad that she intends to leave the company. 			۰
abrogate	repeal, abolish, revoke, cancel	باطل کردن، لغو کردن، از میان بردن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... a proposal to abrogate temporarily the right to strike... ✓ Both governments voted to abrogate the treaty. 			۰
abrupt	sudden, unexpected, hasty	ناگهانی، سریع	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The bus came to an abrupt halt. ✓ Our conversation came to an abrupt end when David burst into the room. 			۰



absorb	suck up, use up, engross	جذب کردن، تحلیل بردن، غرق کردن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ In cold climates, houses need to have walls that will absorb heat. ✓ She was totally absorbed in her book. 			۱
abstain	refrain, avoid, not vote	امتناع کردن، خودداری نمودن، ممتنع	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Benjamin abstained from wine. ✓ Six countries voted for the change, five voted against, and two abstained. 			۱
absurd	unreasonable, illogical, stupid	پوچ، عبث، بی دلیل، احمقانه	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ What an absurd thing to say! ✓ So you think I'm a spy? How absurd! 			۰
abuse	misuse, mistreat, insult	بد بکار بردن، سو استفاده کردن، دشنام	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He is abusing her authority by getting others to do things for her. ✓ Many children suffer racial abuse at school. 			۰
abusive	insulting, rude, offensive	فریب، شیادی، بد زبانی، توهین آمیز	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He became abusive and his wife was injured in the struggle. 			۰
accelerate	speed up, hasten, quicken	تسریع نمودن، تندتر شدن، افزودن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I accelerated to overtake the bus. ✓ Inflation started to accelerate. 			۲
access	entrance, admission	دسترسی، ورودی، اجازه و مجوز	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We were denied access to our grandson. ✓ We're trying to improve access for disabled visitors. 			۳
accession	acquisition, assent, succession	قابلیت دسترسی، نزدیکی، حصول	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ 1926 was the year of Emperor Hirohito's accession to the throne. ✓ The accession of Spain and Portugal into the European Community... 			۱
accessory	auxiliary, extra, add-on	ضمائم، ملحقات، لوازم کمکی	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Sunglasses are much more than a fashion accessory. 			۱
acclaim	praise, cheer, public approval	تشویق کردن، تحسین کردن، هلهله	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He was acclaimed a great painter. ✓ The booklet has been widely acclaimed by teachers. 			۱



accolade	praise and approval	ستایشی شایسته مخصوص افراد بزرگ	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ She received a Grammy Award, the highest accolade in the music business ✓ Her approval was the highest accolade he could have received. 			۱
accompany	go along with, occur with, join	همراهی، مشایعت کردن، همزمان شدن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Would you like me to accompany you to your room? ✓ The disease is accompanied by sneezing and fever. 			۲
accomplish	fulfill, perform, execute, finish	دست یافتن، با موفقیت به پایان بردن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The students accomplished the task in less than ten minutes. ✓ The planes accomplished their mission. 			۱
accost	approach, speak to	صحبت کردن (با تهدید)، نزدیک شدن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He was accosted by a thief, demanding his money or his life. ✓ I'm usually accosted by beggars and drunks as I walk to the station. 			۰
account for	be responsible, constitute	پاسخگو بودن، مسئول بودن، وضع شدن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ They must account for the delay. ✓ Excise duties account for over half the price of Scotch. 			۲
accumulate	gather, collect, amass	جمع کردن (در طول زمان)، اندوختن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We've accumulated so much rubbish over the years. ✓ A thick layer of dust had accumulated in the room. 			۳
accurate	exact, precise, correct, right	دقیق، صحیح، درست	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We hope to become more accurate in predicting earthquakes. ✓ The cutter is accurate to within ½ a millimeter. 			۲
accuse	charge with, blame for	محکوم کردن، متهم کردن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ "It wasn't my fault." "Don't worry, I'm not accusing you." ✓ The professor stands accused of stealing his student's ideas. 			۳
acknowledge	admit, accept, concede	تایید کردن، تصدیق کردن،	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ You must acknowledge the truth of her argument. ✓ The government acknowledged that the tax was unfair. 			۰
acquaint	make familiar, make known	آشنا ساختن، آگاه نمودن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ You need to acquaint yourself with the house style. ✓ I need to acquaint myself with the new regulations. 			۱

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم
حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل مشاهده است.



J

jagged	rough and with sharp points	دنده دنده، ناهموار با نقاط نوک تیز	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The broken bottle's jagged edge gashed (بریدن) their fingers. ✓ ... the jagged rocks of St. Savior's Point ... 			۰
jail	prison, imprison, lock up	زندانی، زندانی کردن، حبس کردن	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The financier was released from jail last week. ✓ Watson was jailed for tax evasion (فرار از پرداخت مالیات). 			۱
jargon	specialized language, slang	زبان مخصوص به صنف خاص، زبان فنی	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... medical jargon that the layman (آدم عادی) cannot understand ... ✓ Keep it simple and avoid the use of jargon. 			۰
jealous (of)	envious, suspicious, protective	حسود، بدگمان، مراقب و گوش به زنگ	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He had always been very jealous of his brother's good looks. ✓ He was talking to Nina to make me jealous. 			۰
judgement	verdict, assessment, acumen	قضاوت، دادرسی، فتوی و حکم	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ It's too soon to make a judgment about what the outcome will be. ✓ Don't rush to judgment without examining the evidence. 			۱
judicious	wise, sensible, prudent	با درایت، عاقلانه و محتاطانه	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Judicious planning now can prevent problems later. ✓ We should make judicious use of the resources available to us. 			۱
jumper	sweater, pullover	سوئیشرت، پولیور بی آستین	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... a red woolly jumper ... 			۱
junction	point (in time), phase, period	زمانی خاص و بحرانی برای یک فعالیت	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ It is difficult to say at this junction whether this upturn can be sustained. ✓ Negotiations between the countries reached a critical junction. 			۱
justice	fairness, validity, judge	عدالت، انصاف، صحت، قضاوت	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Everything will be done to bring those responsible to justice. ✓ The role of the courts is to dispense justice fairly to everyone. 			۱
juvenile	young, childish, teenage	نوجوان، نوجوانی	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ She criticized his juvenile behavior at the party. ✓ ... a juvenile sense of humor ... 			۰



K

keen	eager, sharp, acute, anxious	تیز، زیرک و باهوش، مشتاق، حساس
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I have keen (تیز) eyesight. ✓ With her keen mind and good business sense, she soon became noticed. ✓ They were very keen (مشتاق) to start work as soon as possible. 		۰
knit	make clothes, unite, unify, join	بافتن بافتنی، جوش خوردن استخوان
<ul style="list-style-type: none"> ✓ My grandmother taught me how to knit. ✓ The broken bone should begin to knit (together) in a few days. 		۱

L

lack (of)	absence, shortage, be without	عدم، کمبود، احتیاج، کم داشتن، نبودن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The case was dismissed for lack of evidence. ✓ Alex's real problem is that he lacks confidence. 		۵
laconic	brief, concise, taciturn, terse	کم حرف، موجز گو
<ul style="list-style-type: none"> ✓ His laconic reply suggested a lack of interest in the topic. ✓ "She left," said Pascoe laconically. 		۱
lapse	failure, gap, expire, decline	نقص، لغزش، فاصله، توقف، منقضی شدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... a lapse (کمبود و نقص) of concentration ... ✓ He turned up again after a lapse (فاصله) of two years. ✓ Your booking (رزرو بلیط) will automatically lapse unless you confirm it. 		۰
lasting	enduring, abiding, durable	با دوام، پایدار، طول کشیدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... a lasting, happy marriage ... ✓ The reforms will bring lasting benefits. 		۱
latent	dormant, hidden	غایب، پنهان، نهفته
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The virus remains latent in the body for many years. ✓ We're trying to bring out the latent artistic talents. 		۱
laugh	chuckle, joke	خنده، لبخند زدن، تمسخر کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Many people only laughed at these stories. ✓ I couldn't stop laughing when I saw what he was wearing. 		۰

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم
حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل مشاهده است.





vulnerable	in danger, in peril, exposed to	آسیب پذیر، در معرض خطر، در معرض...
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He was very vulnerable after his divorce. ✓ The fort (قلعه) was vulnerable to attack from the north. 		۱

W

wage	payment, salary	حق الزحمه، حقوق
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We were struggling to get better wages. ✓ He earns a good wage, because he works for a fair employer. 		۱
warily	cautiously, vigilantly	محتاطانه، هوشیارانه، از روی احتیاط
<ul style="list-style-type: none"> ✓ They walk warily down the street, terrified of being caught. ✓ He approached it warily, stopping often to look about him and listen. 		۱
weary	tired, exhausted, tire, bore	خسته، کسل، درمانده، خسته کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ She was weary from years of housework. ✓ As the day wore on (سپری شدن), we wearied of the journey. 		۱
weave	create, knit, interlace	ساختن، بافتن، در هم تنیدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He weaves colorful, cinematic plots (داستان). ✓ This type of wool is woven into fabric which will make jackets. 		۰
weird	very strange, uncanny	عجیب و غریب، خارق العاده، مرموز
<ul style="list-style-type: none"> ✓ They sell all sorts of weird and wonderful (=very strange) products. ✓ My little brother acts weird sometimes. 		۰
welfare	support, well-being, comfort	کمک‌های خیرانه، سعادت، آسایش، رفاه
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Most of the people in this neighborhood are on welfare (=need to help). ✓ Our only concern is the children's welfare. 		۱
wheat	a cereal plant	گندم
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Wheat is a staple (اصلی) crop for millions of people across the world. 		۱
wholesale	selling of goods in large scale	عمده فروشی، عمده
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Is that price retail (خرده‌فروشی) or wholesale? ✓ This company will not be successful until there are wholesale changes. 		۰

widespread	general, universal, common	رایج، متداول، گسترده، جهان شمول	
✓ There are reports of widespread flooding in northern France. ✓ There was widespread support for the war.			۵
wisdom	sagacity, knowledge, sense	خرد، هوش، فرزاندگی	
✓ She has gained a lot of wisdom over the years. ✓ You can always expect a few words of wisdom from Dave.			۱
withdraw	remove, retire, disclaim	سرباز زدن، عقب کشیدن، رد و نفی کردن	
✓ His rival withdrew from the race on the second lap (دوره). ✓ The newspaper has agreed to withdraw its allegations (ادعا).			۱
withhold	hold back, refuse to give	مضایقه نمودن، دریغ کردن و ندادن	
✓ Ian was accused of withholding vital information from the police. ✓ She withheld her rent until the landlord agreed to have the repairs done.			۱
within	inside, in less than, inwardly	در داخل، در حدود، در مدت، از درون	
✓ We could hear sounds coming from within his apartment. ✓ We should have the test results back within 24 hour.			۲
withstand	resist, endure, stand up to	مقاومت کردن، تاب آوردن، برپا ماندن	
✓ This fabric (پارچه) can withstand steam and high temperatures. ✓ Constantinople withstood the eastern invaders (مهاجم).			۲
witness	see, attest to, testimony, proof	شهادت دادن، گواه بودن، شاهد، مدرک	
✓ Several residents claim to have witnessed the attack. ✓ ... the memorial service was witness to the wide circle of his interests ...			۱
wound	injury, cut, injure, hurt, harm	زخم، جراحت، مجروح و مصدوم شدن	
✓ The new crisis (بحران و مشکل) has opened old wounds . ✓ The police chief was badly wounded in the explosion.			۱
wrap	swathe, package, dress warmly	قنداق کردن، پیچاندن و پوشاندن	
✓ She wrapped (بسته بندی کردن) the present and tied it with ribbon (روبان). ✓ She wrapped the baby in a blanket (پتو و پارچه پوشاننده).			۱
wrest	wrench, snatch, grab, bend	قاپ زدن، ربودن، به چنگ آوردن	
✓ They are fighting to wrest control of the party from the old leaders. ✓ He wrested the letter from my grasp (مشت، چنگ).			۰



wretch	poor creature, villain	بدبخت، بیچاره، پست، لات و بد ذات
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Can the poor wretch's corpse tell us anything? ✓ He was a lonely, miserable (بدبخت) wretch. 		۰

Y

yield	produce, bear, profit, gain	تولید کردن، نتیجه دادن، سود و بازده
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Such investments (سرمایه گذاری) yield direct cash returns. ✓ Shareholders (سهام دارها) are expecting a higher yield this year. 		۰

Z

zealous	fervent, ardent, excited, fervid	فدایی، مجاهد، با دل و جرات، هواخواه
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The council was extremely zealous in the application of the regulations. ✓ No one was more zealous than Neil in supporting the proposal. 		۱